

باشعرا ن هئدوستان

امیر خسرو دهلوی

ایر می بار دومن می شوم از یار جدا  
چون کنم دل به چنین روز ز دلدار جدا؟  
ایر و باران ومن و بار ستاده بوداع  
من جدا گریه کنان، ایر جدا، یار جدا  
سبزه نوخیز و هوا خرم و بوستان سر سبز  
بلبل روی سیه مانده ز گلزار جدا  
ای مرا در ته هر موی به زلف بندندی  
چه کنی بندز بندم همه یک یار جدا  
دیدم از بهر تو خون بار شد، ای مردم چشم  
مردمی کن، مشوا ز دیده خون یار جدا  
نعمت دیده نتواهم که بهماند پس از این  
مانده چون دیده از آن نعمت دیدار جدا  
دیده صدر خنوشد از بهر تو، خاکی ز رخت  
زود بر گیر و بکن رخنه دیوار جدا  
می دهم جان مرواز من و گرت باور نیست  
پیش از آن خواهی، بوستان و نگهدار جدا  
حسن تو دیر نباید چو ز خسرو رفتی  
گل بسی دیر نماند چو شد از خار جدا  
\*\*\*

فیضی دکنی

من به راهی می روم کانجام نامحرم است  
از مقامی حرف می گویم که دم نامحرم است  
خوش دلم گر، دیده من شد سفید از انتظار  
گری دیدار جانان، دیده هم نامحرم است  
با خیال او، نگنجید یاد خویان در دلم  
هر کجا سلطان کند خلوت، خشم نامحرم است  
ای اسیر عشق! طعن بی غمی بر من مزن  
خلوتی دارم به یاد او که غم نامحرم است  
ما اگر مکتوب ننوشتیم عیب ما ممکن  
در میان او، مشتاقان قلم نامحرم است  
منزل تر دامنان نبود حریم کوی عشق  
هر که نبود پاکدامن در حرم نامحرم است  
فیضی! از بزم نشاط ما حریفان غافل اند  
هر کجا ما جام می گیریم، جم نامحرم است  
\*\*\*

رابیندرا نات تاگور

شعرا ول:

هیچ کس  
از بستر خشک رود  
به خاطر گذشته اش  
سپاس گزاری نخواهد کرد  
شعر دوم:  
سایه اش را  
قبل از خویش می برد  
آن که فانوسش  
را بر پشت حمل می کند  
شعر سوم:  
بگذار زیبا باشد  
زندگی،  
مثل گل های تابستان  
و مرگ،  
مثل برگ های پاییز

غلط نویسیم

ذرت

به ضم اول و تشدید و فتح دوم. این کلمه عربی است و با حرف «ذ» نوشته می شود. آن را با حرف «ز» به صورت «زرت» نیز می نویسند ولی اکثر فرهنگ ها ذرت ضبط کرده اند و این صحیح تر است.

ذقن زغن

این دو کلمه را نباید با هم اشتباه کرد. ذقن، به فتح اول و دوم به معنای «چانه، زخندان» است ولی زغن، به فتح اول و دوم واژه فارسی است و نوعی پرنده شکاری از دسته بازهاست. در شعر قدیم، زغن به معنای «نوعی زاغ که به درد و دودن همتی معروف است» (در برابرهما که بلند همت است) به کار می رفت.

ذکا/ذکا

این دو کلمه در املا یکسان ولی در تلفظ متفاوت اند. ذکا، به ضم اول، به معنای «آفتاب» است اما ذکا، به فتح اول، به معنی «تیز هوشی» و «ژرف نگری» است.

ذکا/ذکاوت

به فتح اول. هر دو کلمه به معنای «تیز هوشی» و «ژرف نگری» است، جز این که ذکاوت در عربی به کار نمی رود و ساخته فارسی زبانان است.

ذکا/زکی

این دو کلمه را نباید با هم اشتباه کرد. ذکی به فتح اول به معنی «تیز هوش» و «ژرف نگر» است (در جمع: «اذکیا») اما زکی، به فتح اول، یعنی «پاک» و «پاکدامن» (در جمع: از کیا).

بر گرفته از کتاب «غلط نویسیم»  
ابوالحسن نجفی

# عبیدزاکانی طنز معاصر

**به مناسبت سالروز درگذشت زنده یاد ابوالفضل زرویی نصرآباد از طنزپردازان جریان ساز کشور با شهرام شهیدی، طنز نویس درباره شاگردان او، دلایل محبوبیت و شیوه های طنز نویسی این شاعر بر جسته گفت و گو کرده ایم**



الهه آرانیان

calture@khorasannews.com

«قلمی که عبید و ده خدا در دست داشتند، الان بی صاحب نیست. طنز دارد جان می گیرد. یکی از مشهورترین طنزپردازان امروز ما -ملانصرالدین- فقط ۳۳ سال دارد! چراغ ها دارند روشن می شوند. شهر چراغانی خواهد شد». این ها توصیف زنده یاد کیومرث صابری فومنی (گل آقا) از ابوالفضل زرویی نصرآباد، با اسم مستعار «ملانصرالدین» در سال ۷۱ است. شاعر، نویسنده و طنزپرداز که متولد ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۸ بود و با درگذشت اش در ۱۰ آذر ۱۳۹۷ جامعه ادبی در غم از دست دادن او به سوگ نشست. سیدعلی موسوی گرمادری، لقب «عبیدزاکانی طنز معاصر ایران» را به زرویی نصرآباد داده بود. از این طنزپرداز بزرگ آثار و تألیفات زیادی علاوه بر آن چه از

## 66

زرویی نصرآباد در تربیت یک نسل بزرگ طنز نویس، نه فقط در نوشتن که در اخلاق طنز نویسی هم مؤثر بود. او هم تکنیک های طنز نویسی را به شاگردانش یاد داد و هم ظرافت های دیگری را؛ مانند این که چگونه بر خور کنند، کج اتند برونند و کجا آرام، اخلاقیات را رعایت کنند و این که قلمشان هرز نرود. این ها اخلاق طنز است

او در نشریاتی مانند گل آقا منتشر شده، به جا مانده است؛ از جمله «تذکره المقامات»، «هزار سال طنز فارسی»، «با معرفت های عالم»، «وقایع نامه طنز ایران»، «حدیث قند» و.... نکته قابل توجه درباره زنده یاد زرویی نصرآباد این است که او علاوه بر طنزپرداز و طنزپژوهی، متون مذهبی هم می نوشت. کتاب «ماه به روایت آه» روایتی از زندگی حضرت ابوالفضل عباس (ع) به قلم اوست که در سال ۹۴ برگزیده جایزه ادبی کتاب سال عاشورا شد. در سالروز درگذشت ابوالفضل زرویی نصرآباد، با شهرام شهیدی، از شاگردان و همکاران او در مجله «گل آقا» درباره شخصیت و ویژگی های آثار او گفت و گو کرده ایم.



چطور با ابوالفضل زرویی نصرآباد آشنا شدید؟

کلاس سوم دبیرستان بودم که انشایی طنز درباره موضوعی خاص نوشته بودم. معلم ادبیاتمان، آقای میر صادقی به من پیشنهاد داد با مجله طنز «خور چین» همکاری کنم. همان زمان مجله گل آقا هم شروع به انتشار کرد و من مطلبم را برای گل آقا فرستادم. دو هفته بعد نامه ای از طرف مجله گل آقا به دستم رسید که آقای زرویی به اسم ملانصرالدین امضا کرده و نوشته بود: «قلم شما خوب بود و پسندیدم. شما طنز را می شناسید. بیایید مجله با هم صحبت کنیم». من هم سر پا نشناختم و به دفتر مجله گل آقا رفتم و آن جا برای اولین بار آقای زرویی و دیگر دوستان گل آقا را دیدم و همین به شروع همکاری من با گل آقا منجر شد.

از شخصیت و برخورد ایشان با جوان ترها بگویید.

بی نظیر بود. برای آموزش یک مطلب کوچک به یک نفر، کلی وقت می گذاشت، بدون این که

خودش را بالا ببیند. رفتار پدرانه و برادرانه داشت. خودش هم جوان بود ولی آن قدر پخته بود که می توانست بر خور پدرانه داشته باشد. شعری هست که می گوید: «دستم بگرفت و پا به پا پرد». آقای زرویی مصداق این شعر بود. با طمأنینه و صبوری رفتار می کرد و سعه صدر زیادی داشت.

زنده یاد زرویی نصرآباد نقش مؤثری در تربیت طنز نویس های امروزی داشتند. به نظر شما جای خالی شان بر می شود؟

نه تنها ایشان بلکه جای خالی هیچ بزرگی در ادبیات پر نمی شود، جای آقای صابری فومنی و آقای صلاحی هم همین طور. شاید شاگردانی که این بزرگان پرورش داده باشند، در سطح بالایی قرار بگیرند ولی آن افراد، جای خودشان را در ادبیات پیدا می کنند. نمی توانیم بگوییم جای کسی را که به قلم می رسد، شاگردانش پر می کنند؛ اصلاً همان بهتر که نشود، چون ممکن است سبک و شیوه اش کپی شود. آقای زرویی نصرآباد در تربیت یک نسل بزرگ طنز نویس، نه فقط در نوشتن که در اخلاق طنز نویسی هم مؤثر بود. او هم تکنیک های طنز نویسی را به شاگردانش یاد داد و هم ظرافت های دیگری را؛ مانند این که چگونه بر خور کنند، کج اتند برونند و کجا آرام، اخلاقیات را رعایت کنند و این که قلمشان هرز نرود. این ها اخلاقی طنز است. خیلی از دوستان این را در قالب خودشان پرورش و بروز داده اند.

زرویی علاوه بر

طنز نویسی، دستی هم بر نوشتن متون مذهبی داشت. این دو چطور با هم جمع می شوند؟  
مغایرتی ندارد. هر کسی

## جهان، در تسخیر رمان های «مارک تواین»

**نگاهی گذرا به زندگی و آثار خالق رمان های «تام سایر» و «هاکلبری فین» که از شنیدن نام واقعی اش تعجب می کنید**



وضعیت جامعه انتقاد کرده است. ساموئل شمشین فرزند، از هفت فرزند خانواده بود. سه تن از فرزندان این خانواده در کودکی جان خود را از دست دادند.

رودمی سی سی بی الهام بخش

ساموئل در مرز ایالت میزوری آمریکا در روستای کوچک فلوریدا با کلیه های چوبی پرکننده به دنیا آمد. چهار ساله بود که خانواده اش به میزوری که شهری بندری در کنار رود می سی سی پی است، نقل مکان کردند. این رودخانه سحر انگیز خاطرات زیادی از دوران کودکی او را تشکیل می دهد. او روز ها و ماه های زیادی به می سی سی پی خیره می شد و مانند بسیاری از نویسندگان، از همان کودکی با خیال پردازی های ناخواسته به پرورش ذهنش برای نوشتن داستان می پرداخت و روز ها را سپری می کرد. آن چه مسلم است و به تأیید بسیاری از نویسندگان و صاحب نظران دنیا رسیده است، رود بزرگ می سی سی پی الهام بخش مارک تواین در نگارش دو کتاب «ماجراهای تام سایر» و «ماجراهای هاکلبری فین» بوده است. در آن زمان برده داری در میزوری قانونی بود و همین موضوع محور این دو داستان ماندگار شد.

سفر برای نوشتن داستان

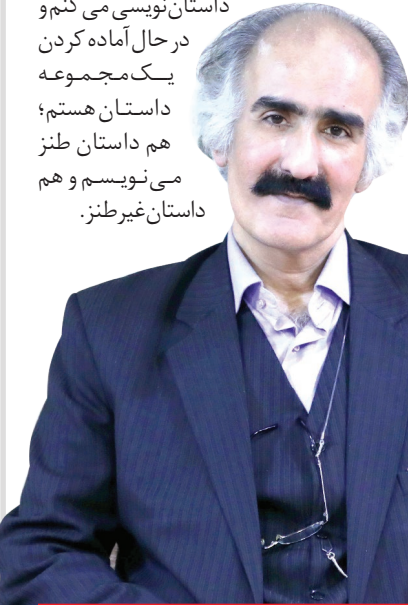
مارک تواین معروف در زندگی اش شغل های زیادی داشت. بعد از مرگ پدرش در ۱۲ سالگی در چاپخانه های محلی پادویی می کرد و بعد در روزنامه ای که برادرش اوریون کلمنز دایر کرده بود، ابتدا احوافچین و سپس چاپچی شد و در ۱۸۵۹ مجوز ناخدایی کشتی

به تصویر می کشد که در شهری خیالی در اطراف رود می سی سی پی زندگی می کند. بزرگ می سی سی پی کشتیرانی می کرد و هم زمان با نام های مختلف برای مجلات، مقاله های طنز می نوشت. زندگی روی رودخانه می سی سی پی حاصل همین کشتیرانی ها روی این رودخانه شگفت انگیز است. بعد همدتی هم در معدن کار کرد و «وزغ چهنده» در سال ۱۸۶۵ میلادی منتشر شد. همین داستان کوتاه برای مارک تواین مشهرتی بین المللی به ارمغان آورد و این داستان به زبان فرانسوی هم ترجمه شد. در سال ۱۸۶۶ با آلتا کالیفرنیا بر جسته ترین روزنامه غرب، قراردادی به عنوان خبرنگار سیار امضا کرد. شانس بزرگی که او را به سمت سفر بدون محدودیت مکان و زمان کشاند. او به سفرهای مختلف می رفت، دنیا را می دید و می نوشت. کلمنز سال های پایانی عمرش را با اندوه از دست دادن خانواده اش یکی پس از دیگری سپری کرد و در ۲۱ آوریل ۱۹۱۰ در ۷۴ سالگی در گذشت.

معرفی کوتاه از چند کتاب مارک تواین

کتاب تام سایر

مارک تواین کتاب ماجراهای تام سایر را سال ۱۸۷۶ یعنی در ۴۱ سالگی منتشر کرد. این کتاب، در زمان انتشار با چنان شکست سنگینی در فروش همراه شد که بسیاری از خوانندگان و منتقدان آن زمان از ادامه نویسنده گی این نویسنده ناامید شدند و شاید او را تمام شده می دانستند، اما بعدها «تام سایر» دنیا را به شگفتی و داشت و تبدیل به یکی از پر فروش ترین رمان ها شد و طعم واقعی شهرت را به نویسنده اش چشاند. این کتاب، دوره نوجوانی پرسی به نام تام سایر را

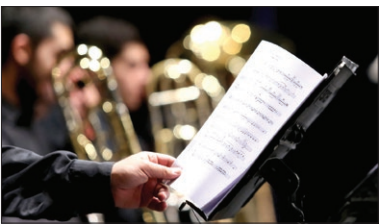


هم اکنون خودتان مشغول چه کاری هستید؟

این روز ها دیگر در مطبوعات نمی نویسم؛ چون مجله و نشریه طنز منتشر نمی شود. الان داستان نویسی می کنم و در حال آماده کردن یک مجموعه داستان هستم؛ هم داستان طنز می نویسم و هم داستان غیر طنز.

موسیقی

موسیقی دوباره جان گرفت



دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرد: این دفتر مجوز ۱۸۶ تک آهنگ را در آبان ۱۴۰۱ صادر کرده که از این تعداد، ۱۵۸ اثر در حوزه موسیقی پاپ بوده است.

به گزارش ایران از روابط عمومی دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آمار مجوز های صادر شده دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در آبان ۱۴۰۱ اعلام شد که بر اساس این آمار، مجوز ۱۸۶ تک آهنگ، ۲۵ آلبوم موسیقی، ۷ نماهنگ و ۵ کتاب صوتی صادر شده است.

در میان تک آهنگ های مجوز گرفته، ۱۵۸ اثر در حوزه موسیقی پاپ، ۱۳ اثر در موسیقی ردیف دستگاهی، ۹ اثر در موسیقی تلفیقی، ۳ اثر در موسیقی نواحی، ۲ اثر در موسیقی کلاسیک و یک اثر در موسیقی الکترونیک تولید شده اند.

در بخش آلبوم ها نیز مجوز ۱۴ آلبوم موسیقی ردیف دستگاهی، ۴ آلبوم موسیقی پاپ، ۲ آلبوم موسیقی کلاسیک، ۲ آلبوم موسیقی نواحی و ۲ آلبوم موسیقی تلفیقی در آبان صادر شده است. در بخش نماهنگ ها، گونه های ردیف دستگاهی، موسیقی پاپ، موسیقی نواحی و موسیقی تلفیقی هر کدام یک نماهنگ داشته اند. در آبان امسال تا پدیه ۳۷۸ قطعه شعر صادر شده است.

برای این آثار فقط مجوز انتشار صادر شده و زمان انتشار آن ها در اختیار مالک اثر است.

ادبی

قصه گوهای خارجی در بخش بین الملل جشنواره کانون



دبیر کمیته بین الملل بیست و چهارمین دوره جشنواره قصه گویی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، از شرکت ۱۰ قصه گوی خارجی در این بخش جشنواره خبر داد.

همایون همدانی، در گفت و گو با خبرگزاری تسنیم، با اشاره به روند برگزاری این بخش از جشنواره گفت: ما در دوره جاری جشنواره تلاش کردیم فراخوان بخش بین الملل را به صورت عمومی منتشر کنیم و از قصه گوهای بین المللی که سابقه زیادی در این زمینه دارند، برای شرکت در این دوره دعوت کنیم.

وی با اشاره به شرکت قصه گویان داخلی در بخش بین الملل جشنواره قصه گویی گفت: حدود ۶۰ قصه گوی داخلی نیز در بخش رقابتی بین المللی شرکت کردند که پس از پایش اولیه حدود ۳۵ قصه گو انتخاب شدند و در مرحله نهایی، ۱۵ قصه گو به بخش رقابت این رویداد راه یافتند.

خبر

توزیع هزار تن کاغذ تولید داخل بین ناشران در ماه



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان این که کاغذ مورد نیاز مطبوعات و کتاب را با ارز ترجیحی تأمین کردیم، افزود: در ماه هزار تن کاغذ تولید داخل را بین ناشران توزیع می کنیم. به گزارش ایسنا، محمد مهدی اسماعیلی در حاشیه جلسه هیئت دولت، اظهار کرد: با توجه به تورمی که در کشور وجود دارد، ما سعی کردیم که قیمت نشر و مطبوعات را کنترل کنیم. ما کاغذ مورد نیاز مطبوعات و کتاب را با ارز ترجیحی تأمین کردیم و اکنون واردات انجام شده در حال توزیع است. وی افزود: همچنین ماهی هزار تن کاغذ تولید داخل را بین ناشران توزیع می کنیم. در مجموع ناشران از شرایط راضی هستند. مجموعه این اقدامات موجب کنترل قیمت کاغذ می شود ولی این مجموعه هم تابع شرایط کلی اقتصاد است. به هر حال هزینه کار گر، حمل و نقل و... وجود دارد، اما ما قیمت پایه را کنترل کرده ایم.